

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه حج (جله نم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۸/۹/۹۴

آیات ۳۴ به بعد درباره منسک است، اما به طور مشخص تا آیه ۳۴ درباره منسکی است که حضرت ابراهیم تاسیس کرد. منسک و غایت‌های منسک و بالترین منسک که حج است و در موقعیت خاصی اتفاق می افتد و به قربانی و طواف و ... ختم می شود.

قرار است در این منسک، ذکر اسم خدا شود و عده ای که در آیه ۳۵ گفته شده پرورش یابند.

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۵)

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (۳۷)

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸)

این کل داستان منسک بود که از آیه ۲۶ شروع شد و تا آیه ۳۷ ادامه پیدا کرد.

_ هر منسکی با سختی هایی همراه است. تقریباً منسکی بدون سختی نیست. اگر استطاعت آن سختی را نداشته باشند مجوز شرکت در آن منسک را ندارند. درباره حج هم همینطور است.

منسک یک عملیات و مانور است. مناسک خیلی رو هستند. اگر خواستید منسکی را شرکت کنید، همسایگان و .. متوجه می شوند. در واقع مناسک نوعی، علنی کردن دین است.

– محل‌هایی که حکومت اسلامی تشکیل شده اگر کسی حج برود، تویخ نمیشود و حتی برایش هدیه می‌آورند؛ اما در کشوری که مسلمان نیستند بخاطر شرکت در مناسک او را طرد می‌کنند و شاید جامعه به او کمکی نکند.

از اینجا به بعد برای اینکه مناسک به راحتی انجام شود اتفاقاتی پشت پرده می‌افتد. مناسک بی خون و خونریزی برپا نمیشود. هر منسکی پشتش خونهایی ریخته شده تا آن منسک بر پا شود حتی در زمان آن منسک هم ممکن است این اتفاق بیفتد؛ کما اینکه الان هم هست.

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸)

اول. در مناسک افراد باید فکر راحت بودن و سخت بودنش را از سرشان بیرون کنند.

اگر به خیال زیارتی ساده می‌رود، بداند تصورش درست نیست.

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

دوم. ضمن اینکه خود آن منسک با عافیت بدست نیامده است.

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغْيًا فَإِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا وَصَلَاتُكُمْ وَنِسَاءُكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ الَّتِي هُنَّ مِثْلُكُمْ لَا يَدْرَأْنَ شَيْئًا عَلَيْكُمْ وَأُكْرِهْنَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا بُدِيَ بَيْنَهُنَّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۴۰)

سوم. نکته‌ای که در مناسک مشهود است همایش توحیدی است. نصرت الهی در هر منسکی شرکت می‌کنید دیده می‌شود.

دست خدا در عبودیت را، اینکه نام خود را در عین مخالفت‌ها و ضدیت‌ها بر پا نگهداشته و کسی نتوانسته نام او را خاموش کند به راحتی قابل مشاهده است.

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَ ثَمُودُ (۴۲)

از آنجا که هر کسی در منسک برای انجام یک عمل عبادی آمده، بنابراین کار عبادی کردن یک کار محبوبی بوده و چیزی نیست که ناخوشایند جلوه کند.

الذین مکناهم فی الارض ... نمایش خیلی جزئی از این است که اگر کسی تمکن داشته باشد در زمین چه کاری می تواند انجام دهد.

زیرا وقتی جایی می روید که همه برای نماز آمده اند، بر پا کردن نماز و گسترش کارهای خوب بسیار راحت می - شود.

_ آیات ۳۷ تا ۴۰ را اگر جدا نینیم متوجه می شویم در سیاقی که مناسک وارد میشود، در همان سیاق خوبی ها هم در بین مردم گسترش می یابد.

اگر بخواهید خوبی ها را گسترش دهید، سیر گسترشش، همانند درست شدن یک منسک است. همانطور میشود یک مدرسه یا مسجد درست کرد.

بر اساس شکل گیری منسک میتوان بقیه جامعه را اصلاح کرد.

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَ ثَمُودُ (۴۲)

وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمِ لُوطٍ (۴۳)

وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۴)

فَكَأَيُّنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرِ مَسْجِدٍ (۴۵)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (۴۶)

وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۴۷)

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ لَهَا فَمَا أَخَذْنَا بِهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ (۴۸)

نوعاً بین آیات قرآن وقتی حقیقتی مطرح می‌شود گروه مخالفین را هم ذکر می‌کند.

گاهی بصورت کلی درباره تکذیب در اقوام صحبت می‌شود؛ اما نوعاً وقتی در سوره ای تکذیب قومی را می‌آورد، تکذیب آنها درباره موضوعات آن سوره است. اینگونه تکذیب‌های یک قوم، در سوره‌های مختلف، متفاوت از یکدیگر می‌شود.

در سوره مبارکه حج به بهانه موضوع منسک این تکذیب اتفاق افتاده است.

ضمن اینکه تکذیب‌ها نیز متفاوت بوده یعنی هر قومی، به شیوه خود مناسک را تکذیب کرده است.

اسم‌هایی که از اقوام مختلف می‌بینید نشان دهنده انواع اعراض هاست. تنوع دارد.

_ از بحث‌های مهم سوره مبارکه حج: کسانی که به مناسک وارد می‌شوند، یک شکل می‌شوند؛ کما اینکه کسانی که به مناسک وارد نمی‌شوند امکان دارد هزار شکل باشند.

فرق می‌کند تکذیب کسی، قوم نوحی باشد یا قوم لوطی یا قوم ثمودی

فرق می‌کند تکذیب در یک شهر فراگیر باشد یا نباشد یا ... هر کدام از اینها بحث خود را می‌طلبند.

خیلی وقتها انسان به تکذیب دچار می‌شود اما تکذیبش از ناحیه دین به باورها نیست. یک ضروری دین را انکار می‌کند مثلاً حجاب، نماز و ... خداوند نام همه اینها را تکذیب می‌گذارد.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۴۹)

از آیه ۴۹ به بعد داستان قدری متفاوت می‌شود.

وقتی خداوند به پیامبر دستور می‌دهد بگو من فقط یک نذیر هستم.. اینها باید با توجه مختصری، این را بفهمند.

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۵۰)

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۵۱)

دو سر طیف را نشان می دهد...

۱. ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند؛ همراستا با انبیا بوده و آنچه برای آنها مهم است را جلوه می دهند.

۲. می خواهند خدا را به عجز در بیاورند. اگر حج پر رونق است می خواهند آن را از رونق بیندازند.

آدم می تواند به چنین حدی از خباثت برسد که با خدا رو در رو شود.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

از آیات عجیب قرآن است که ممکن است از آن سر در نیاوریم اما خواندنش جالب است.

میفرماید: هر پیامبری آمد (رسول یا نبی)؛ در چشم انداز یا افق یا مقاصدش (تمنی)، بر اساس ظرفیت قومش، پیشرفت هایی را برای آنها در نظر گرفت؛ شیطان هم از آن طرف شروع کرد به وسوسه و القاهای مختلف و کید و مکر کردن.

[رسول: کسی که مقام رسالت دارد یعنی مامور بوده مردم را هدایت هم بکند.

نبی: کسی مقام نبوت دارد یعنی فقط دریافت کننده وحی بوده است]

این آیه نبر حق و باطل را نشان میدهد که بوده و هست و خواهد بود.

حالا سوال این است که چرا خدا این کار را کرد؟ همین که در آیه ۵۲ میفرماید که این را فتنه قرار داد یعنی بر اساس تدبیر خدا، شیطان قرار داده شده برای آنکه فتنه (بر هم زننده، چالش) کند.

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۳)

معلوم میکند درصد ایمان آدمها چقدر است. ضریب و خلوص ایمانها را مشخص می کند.

نقش شیطان در زندگی ما آدمها ممتحنی است که اگر نبود زندگی ما به هم نمی ریخت و همه ادعا می کردیم ایمان داریم، به هر حال قیمت آدمها مشخص نمی شد.

زندگی باید به هم بریزد که استعدادهای خودمان را شکوفا کنیم.

اگر دنیا را منطقه امن قلمداد کنی، راحت میخوابی؛ در حالی که ما آمده ایم که سُکنی بگزینیم و برویم. وقتی مسافرت می رویم، شلواریمان خاکی شود، نق نمی زنیم.

۵۰ یا ۶۰ سال که عمری نیست! مگر اینکه کسی آن را خیلی بداند.

__ به هر حال اگر شیطان نبود، اولیای الهی باید کاری می کردند که نقش شیطان را بازی کنند مثل یک معلم. معلم خوب هیچ وقت دروغ نمی گوید اما یک دانش آموز اگر هیچوقت دروغ نشنود، وارد جامعه که شود معلوم نیست چه می شود!

خدا خودش او را خلق کرده و نامش را شیطان گذاشته تا راست سنج شما تقویت شود!

سیستم انسان به ضد درست می شود. فهم ادراکی انسان، متناقض است.

هر چه قوی شوی و حتی در حد معصوم بررسی، شیطان شما هم در حد معصوم قوی شده و هیچ وقت هم رهایتان نمی کند تا از این دنیا بروید.

مگر در منطقه امن که به آنها مخلصین میگویند و مقربین هستند و تعدادشان کم است.

__ خدارا شکر که شیطان را قرار داده تا ما ثمن ایمانمان را بفهمیم و ایمانمان قابل ارتقاء شود.

__ گاهی وقتی بعضی کارها را برای انسان باز می کنند، سختی هایش هم بیشتر می شود. شما باید به خیرات توجه کنید.

انسان خیلی قوی است. تا هر حدی ایمان داشته باشد می تواند پیش برود.

سطح انسان خیلی می تواند بالا برود. انسان ظرفیتهای شناختی و عملی زیادی می تواند داشته باشد؛ اما آن را شکوفا نمی کند و به این سطح از لذت هم دست پیدا نمی کند.

__ پیامبر آمد و افق را ترسیم کرد؛ شیطان آمد و القانات را آورد.

اولین ثمره این کار این بود که اینها به فتنه تبدیل شد. دومین ثمره اش: آیه ۵۴

شیطان کاری کرد، سعی کرد القاء کند، عملیات بر هم ریزاننده‌ای انجام داد تا حدی که عده ای اغوا و دچار گمراهی شدند و از همان امتحان، عده ای حقانیت خدا برایشان بیشتر شد و ایمان بعد ایمان پیدا کرده و به درجه اخبات رسیدند.

[اخبات یعنی ایمانی که رخنه ای در آن نیست و میتوان به آن آدم اتکا کرد]

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَّةٍ مِنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۵۵)

_ خواهشی که از همه شما دارم این است که اگر سرّ کاری را متوجه نمی‌شوید به راحتی درباره آن قضاوت نکرده و فاتحه‌اش را نخوانید.

اگر اشخاص مومن و علمی کاری انجام می‌دهند؛ یکدفعه برنامه ای در جامعه گُل می‌کند که شکل آن شکل ایمانی است و ظاهرش خوب است درباره آنها موضع گیری نکنیم حتی تا وقتی خلاف آن برهانی ندیدیم سعی کنیم کمک کنیم.

نوعاً ما آدمهای بدگمانی نسبت به خودمان هستیم.. آدم باورش نمی‌شود بعضی کارها در زمانی شروع می‌شود و آدمهایی هم که جذب می‌شوند بیان استدلالی ندارند. کم کم معلوم می‌شود این کار در زمره کارهای شاخصی است که بنا است عالم را بگیرد.

خداوند خیرها را در عالم مخفی کرده که همه به همه آنها اهتمام داشته باشند که وقتی می‌گویند راهپیمایی مشهد، آرزو داشته باشی بروی هر چند وقت آن را نداشته باشی.

تایید کردن ها، گاهی می‌تواند انسان را جزو آن کار خوب قرار دهد و عاقبت بخیری برایشان رقم یزند.

_ در این حوزه ها برای تشخیص بدعت باید به نظر علما مراجعه کرد. اگر علما ساکت هستند یا تایید می‌کنند، بدعت در دین نیست.

_ جریان‌های حقی به خاطر سوءظن در جامعه مخفی می‌مانند تا جایی که شعور جامعه آن را رو بیاورد و ارزش آن را بفهمد.

کار منسک این است. کسانی که منسکی هستند روحیه شان این است که نسبت به کار خیر تدافع ندارند، بنایشان بر گسترش است.

مثلا الان می گویی تدبر در قرآن... می گویند کی گفته ؟ کی به شما مجوز داده؟! بنا بر منع است...

البته که نور خدا خاموش نمی ماند.

خداوند القای شیطان را نسخ می کند. بالاخره همه قرآن خوان می شوند. نظر انبیاء بر همه عالم حاکم می شود. این نظر قطعی است.

سعی کنیم به کارهای خوب اهتمام داشته باشیم.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات